

For most people who study or teach political theories, their importance is often normalized; They know that the classical works of political theories reflect the scholarly reflection of some of the most thoughtful minds on the important issues that every human being faces. They have found that without the help of concepts and criteria in the political thought of the past, it is difficult to understand the confusion of the current political situation. "There are many useful methods that define the scope of a research.

According to Thomas Spriggins's theory on the meaning of political theories, examine the inner logic of Ghazali's thought based on the book *Revival of the Sciences of Religion*. This internal logic is concerned with the analysis of four basic points and seeks to answer these questions, first of all, what is the disorder of Ghazali's time? And what was the pain and problem of Ghazali? Second, what is the root of this disorder? Third, what is al-Ghazali's solution to this disorder, and what could be the end of Imam al-Ghazali's ideal? Al-Ghazali in his revival of the sciences of religion engages in his religious revival with a moral approach to politics and dealing with spirituality. It was Ghazali era.

اندیشه سیاسی غزالی

مریم نیکزاد چالشتی،^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۰۱

علیرضا گلشنی،^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۷/۰۵

مرتضی اباذری،^۳

چکیده:

اکثر کسانی که به کار مطالعه یا تدریس نظریه های سیاسی مشغول اند، اغلب اهمیت آن برایشان عادی شده است؛ آنان می دانند که آثار کلاسیک نظریه های سیاسی نمایانگر بازتاب پژوهشگرانه برخی از اذهان ژرف اندیش درباره مسائل مهمی هستند که هر انسانی با آنها رو در روست. آنان دریافته اند که بدون یاری جستن از مفاهیم و معیارهای موجود در اندیشه ی سیاسی گذشتگان مشکل بتوان از سردرگمی های اوضاع سیاسی زمان حاضر سر در آورد. "روش های متعدد و مفیدی وجود دارند که حدود و گستره ی یک جستار را تعریف و مشخص می کنند (اسپریگنز: ۱۳۸۹، ۲۸).

بر اساس نظریه توماس اسپریگنز در باب مفهوم نظریه های سیاسی منطق درونی اندیشه غزالی را بر اساس کتاب احیاء علوم الدین بررسی نماید. این منطق درونی عنایت به تحلیل چهار مطلب اساسی دارد و در صدد پاسخ به این سئوالات می باشد، اولاً بی نظمی زمان غزالی چیست؟ و درد و مسئله غزالی چه بوده است؟ نکته دوم ریشه این بی نظمی کدام است؟ سوم راه حل غزالی برای بسامان کردن این بی نظمی چه بوده و در پایان آرمان امام محمد غزالی چه می تواند باشد؟ غزالی در احیاء علوم الدین با نگرشی اخلاقی به سیاست و پرداختن به معنویات به احیاء دینی خود دست می زند که این نوع احیاء نه مانند این تیمیه بازگشت به سلف بلکه پرداختن به معنویات به عنوان جوهر دین است که این امر به دلیل اوضاع سیاسی و دینی عصر غزالی بود.

کلمات کلیدی: اندیشه، غزالی، سیاسی، اسپریگنز

دانشجوی دکترای علوم سیاسی (گرایش اندیشه سیاسی) دانشگاه آزاد واحد شهرضا، شهرضا، ایران^۱دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا، شهرضا، ایران^۲استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا، ایران^۳

سرزمین ایران به ویژه خطه خراسان در علم و معرفت برجستگان و نوابغی به عالم بشریت ارزانی داشته که کمتر می توان نظیر آنان را در سایر سرزمین ها یافت. از جمله این برجستگان ابوجامد محمد بن محمد غزالی طوسی است. وی که به حجه الاسلام امام معروف است در سال ۴۵۰ در قریه طابران طوس در خانواده ای متولد شد که علاقه و عقیده به فقها و صوفیان در آن آشکار بود (کرمی: ۱۳۸۹، ۲۵۵) و چه بسا که نزد غزالی میان این گروه تا حدی از وضعیت خانوادگی وی نشأت می گرفت؛ که در کتاب احیاء علوم الدین در ریع عادات در جای جای کتاب سخن از صوفیان به میان آورده است به عنوان نمونه در ریع عادات در کتاب حلال و حرام قسم دوم درجه چهارم موجب دوم مسئله که از وی پرسیده شده در خانقاه صوفیان جماعتی از صوفیان باشند و در دست خادم ایشان که طعام بدیشان رساند وقفی باشد خانقاه را و وقفی دیگر باشد از جهتی دیگر بر غیرت آن جماعت و او هر دو را بر آمیزد و بر این جماعت خرج کند پس خوردن طعام او حرام باشد یا حلال یا شبهت؟ پاسخ گفتم التفات این سوال به هفت اصل است. اصل اول: آنکه طعامی که بدیشان دهد در غالب به معاطات خرد و مختار صحت معاطات است، خاصه در طعام ها و چیز های حقیر. پس در این جزء شبهت خلاف نیست. اصل دوم: آنکه بنگرد که خادم مال حرام به عین می خرد یا در ذمت. اصل سوم: آنکه از که می خرد. اصل چهارم: آنکه آیا برای نفس خود می خرد، یا برای قوم؟ اصل پنجم: آنکه خادم، طعام نزد ایشان آورد، و ممکن نیست که آن ضیافت و هدیه ای بی عوض باشد، چه او بدان راضی نشود. اصل ششم: آنکه در ثوابی که بر هدیه دهنده لازم آید خلاف است. اصل هفتم: آنکه وام فصاب و طباخ و بقال از ارتفاع هر دو وقف بگزارد (غزالی: ۱۳۵۹، ۳۶۸) همانگونه که در این نمونه آورده شد وی به مسائل پیرامون صوفیان بسیار اهمیت می داد.

تعلیمات اولیه غزالی و برادرش احمد که از عرفای نامی اسلام شد نزد احمد بن محمد رازکانی صورت گرفت که از دوستان پدرش و فقیهی شافعی بود، سپس غزالی در جرجان و در پیش امام ابونصر اسماعیل دروس فرا گرفت و مدتی نیز در نیشابود و در نزد ابوالمعالی جوینی معروف به امام الحرمین شاگردی کرد (قادری: ۱۳۸۷، ۸۶). غزالی از سال ۴۷۸ تا سال ۴۸۴ به مدرسی نظامیه بغداد منصوب شد و به خدمت خواجه نظام الملک بود. در سال ۴۸۸ بحران روحی غزالی برای یافتن راه های حقیقت یابی و همچنین دل کندن از دنیا و مظاهر آن به اوج رسید. پس از یک گوشه نشینی دو ساله به تلاش سلطان سنجر سلجوقی و وزیرش فخر الملک فرزند خواجه نظام الملک در کشاندن غزالی به عرصه اجتماع و عهده داری تدریس در نظامیه نیشابور موثر واقع شد. غزالی در سال ۵۰۵ قمری در حالی که آخرین ایام عمر خود را در خانقاهی می گذرانید که برای طلاب و صوفیان در طوس ایجاد کرده بود دار فانی را وداع گفت (همان: ۸۷) از کتاب های غزالی می توان به احیاء علوم الدین، کیمیای سعادت، فضائح الباطنیه یا المستظهری، مقاصد الفلاسفه (شرحی آموزشی درباره فلسفه مشاء یعنی ارسطو و افلاطون و پیروان آنان همچون ابن سینا) تهافت الفلاسفه، المنقذ من الضلال (خاطرات غزالی)، الاقتصاد فی الاعتقاد، نصیحت الملوک، تحفه الملوک اشاره کرد.

کتاب احیاء علوم الدین در چهار ربع عادات ، عبادات ، مهلکات ، منجیات تنظیم شده است . غزالی این کتاب را به فارسی به صورت تلخیص و اضافه کردن بخش های دیگر با عنوان کیمیای سعادت ارائه کرده است.

قرن چهار و پنجم قرون طلایی تمدن اسلامی به لحاظ علمی بود . اما به لحاظ سیاسی زمانه ای پر آشوب و فعال بود که اختلافات داخلی میان سلاطین سلجوقی به ویژه نزاع و اختلاف میان نهاد خلافت با نهاد سلطنت زیاد بود . از طرفی جنگ های صلیبی نیز زخ داد که در سال ۴۹۲ صلیبیون موفق شدند با خشونت بیت المقدس را تصرف کنند. البته فعالیت باطنیان در ایران و فاطمیان مصر را باید به این اوضاع و احوال نیز اضافه کرد (قادری : ۱۳۸۷ ، صص ۸۴-۸۹) .

مبانی اندیشه غزالی

هستی شناسی

غزالی در هستی شناسی خود علوم را به هشت اصل و هفت فرع تقسیم می کند و چنین می گوید :

اما علوم ملقب به طبیعات بسیار است و ما اقسام آنها را یاد می کنیم تا دانسته آید که سزاوار نیست شرع در آنها نزاع در پیوندد و یا آنها را انکار کند.

و آن به اصول و فروع تقسیم می شود و اصول آنها هشت چیز است :

نخست آن است که در آن ، آنچه به جسم می پیوندد ، از حیث اینکه جسم است ، از اقسام و حرکت و تغییر و آنچه تابع و لاحق حرکت است ، چون زمان ، مکان و خلا و کتاب سمع الکیان شامل آن می گردد (غزالی : ۱۳۸۳ ، ۲۱۷)

غزالی خدا را قابل رویت می داند زیرا ذات است و هر موجودی که دارای ذات و معلوم باشد قابل رویت است (کرمی : ۱۳۹۳ ، ۲۴۲)

دوم آن است که احوال اقسام ارکان عالم را می شناساند که عبارت باشد از آنها ، و آنچه در زیر سپهر ماه از عناصر چهارگانه و طبایع آنها و علت استحقاق هر یک از آنها به موضوع معینی قرار دارد و کتاب اسماء و العالم السفلی شامل آن می شود (غزالی : ۱۳۸۳ ، ۲۱۷)

سوم آن است که در آن احوال کون و فساد و توالد و تولد ، رویش و پژمردگی ، استحاله ها ، و چگونگی باقی نگاه داشتن انواع با وجود فساد اشخاص به سبب دو حرکت آسمانی ، شرقی و غربی ، شناخته می شود و کتاب الکون و الفساد شامل می گردد.

چهارم آن است که از احوالی که عناصر اربعه را عارض می گردد ، از امتزاج ها که از آنها آثار علوی مانند ابرها ، باران ها ، رعد و برق ، هاله ، رنگین کمان ، صاعقه ها ، بادها و زمین لرزه ها پیدا می شود..

پنجم آن است که در گوهرهای کانی بحث می کند.

ششم در احکام نباتات است

هفتم آن است که درباره جانوران بحث می کند و کتاب طبایع الحیوان در آن باب است.

هشتم آن است که در نفس حیوانی و قوای دراکه بحث می کند و اینکه نفس انسانی با مرگ تن نمی میرد و آن جوهری است روحانی که فناء یافتن آن محال است.

اما فروع نیز هفت چیز است :

نخست طلب است و مقصود از آن معرفت مبادی تن آدمی است و احوال او از نظر صحت و مرض و اسباب و دلایل آنها تا بیماری را دفع و صحت بدن را حفظ کند.

دوم : در احکام نجوم است و آن تخمین در استدلال از اشکال کواکب و امتزاج های آن است بر آنچه از احوال عالم ، ملت ها ، مولید و سالها حادث می شود

سوم علم فراست است و آن استدلال خلق و (صورت) بر خلق و (سیرت) است.

چهارم : علم تعبیر است و آن استدلال از تخیلات منبعث در خواب است بر آنچه نفس از عالم غیب مشاهده کرده است ، زیرا قوه متخیله آن را به مثابه غیر خودش تشبیه می کند .

پنجم علم طلسمات است و آن تالیف قوای آسمانی با قوای برخی از اجرام زمینی است تا از آنها نیرویی به هم برسد که در روی زمین کار شگفتی انجام بگیرد.

ششم علم نیز نجات است و آن آمیختن نیروهای جواهر زمینی با همدیگر است تا از آنها امور شگفتی حادث گردد.

هفتم : علم کیمیاست و مقصود از آن تبدیل خواص جواهر معدنیه است به نوعی از حیل و فن تا به تحصیل زر و سیم دست یابند (همان) .

انسان شناسی

انسان با تامل در خویشتن در می یابد گرچه مشتمل بر دو جزء تن و روان است . لیکن اصل اصیل او روان یا همان نفس است که منشا تمام حرکات و حیات و تعقلش است . درک هستی و چیستی انسان به واسطه نفس شناسی است و غزالی به عنوان یک متفکر مسلمان خواستار کنکاش در این حوزه است (عطار زاده : ۱۳۸۸ ، صص ۵۷-۷۸) . وی در تهافت الفلاسفه در مسئله دوازدهم می گوید : چون مسلمانان حدود عالم را به اراده خدا دانستند از اراده اش بر علم او استدلال کردند ، و از اراده و

علم یکجا بر حیات او استدلال کردند . پس از آن به حیات بنا براینکه هر زنده ای در حالی که زنده است به نفس خود شعور دارد که او ذات خود را نیز می داند و این روشی معقول است و در غایت استواری است (غزالی : ۱۳۸۳ ، صص ۱۴۹-۱۵۰).

غزالی مدعی است نفس شناسی خود را بر پایه آگاهی عمیق از آموزه های وحیانی بنا نهاده است . تحقق این آگاهی در مرتبه نخست توسط علم حصولی است و در مرتبه عالی فقط از طریق مکاشفه مشهود می گردد (عطار زاده : ۱۳۸۸ ، صص ۵۷-۷۸). غزالی آدمیان را تعلیم پذیر می داند و چون در چارچوب اسلام می نگرد و اندیشه می کند لاجرم نظام طبقاتی را در مورد طبیعت انسان نمی پذیرد.

معرفت شناسی

همان گونه که در قسمت انسان شناسی آمد غزالی مدعی است نفس شناسی خود را بر پایه آگاهی عمیق از آموزه های وحیانی بنا نهاده است . تحقق این آگاهی در مرتبه نخست توسط علم حصولی است و در مرتبه عالی فقط از طریق مکاشفه مشهود می گردد (عطار زاده : ۱۳۸۸ ، صص ۵۷-۷۸).

غزالی در المنقذ من الضلال به دلیل تردید در توان راه یابی " حس و عقل " به عالم حقیقت ، در نهایت به سود دل جبهه می گیرد . اهل دل بودن به منزله سبک انگاشتن تکالیف و ملزومات شرعی نیست ، بلکه بر زدودن آمال دنیوی و توجه به علم باطن و مراقبه دل تاکید دارد . قاعدتا او خود را در زمره ی علمای آخرت می داند (قادری : ۱۳۸۷ ، ۹۷).

اندیشه سیاسی غزالی

منظور غزالی از احیای علوم دین پرداختن به هسته معنوی دین است و آنچه بدان جوهر دین گفته می شود . غزالی مایل است در احیاء از سنگینی و غلظت ظواهر دین به نفع جوهر و وجهه معنویت آن بکاهد (همان) .

همان گونه که به لحاظ زوش شناسی اعلام می دارد شناخت حق را از قول حضرت علی (ع) بیان می دارد که : هر که حق را به کردار مردمان شناسد در بیابان گمراهی حیران شود ، پس اگر سالک راه حقی ، حق را بشناس تا اهل آن را بشناسی . و سپس خود وی چنین تفسیر می کند که اگر حقیقت اسلام و قرآن را شناختی و سیرت پیغامبر و اصحاب راستینش را نیک دریافتی معیاری در اختیار داری تا بدانی مسلمان واقعی کیست؟ و مدعی مسلمانی کدام است ؟ اما اگر گفتار و کردار هر فقیه و مفتی بی تقوا و ملای شهرت طلب را نموداری از واقعیت اسلام نپنداشتی و در کار داوری گمراه خواهی شد (غزالی : ۱۳۵۹ ، ۱۲).

غزالی ضمن سرزنش آن دسته از مفتیانی که با حرف در مورد یکی از مذاهب فقهی تعصب می ورزند و در عمل از عبادت و زهد و آگاهی بر اسرار دل فاصله می گیرند چنین می گوید : با آنچه ما از سیرت نیک فقهای سلف در احیاء آن قدر نقل خواهیم کرد که بدان بدانی که مدعیان مذاهب ایشان (یعنی مدعیان مذاهب فقهی ائمه اهل سنت) برایشان ظلم کرده اند ، و ارباب مذاهب ، روز قیامت ایشان را قویتر خصمی خواهند بود (همان)

از این مفاهیم بر می آید که فقهای زمان غزالی به جوهر دین نمی پردازند بلکه بر اساس مقتضیات زمان خود اضافاتی بر دین می افزودند.

در احیاء علوم الدین سیاست در قسمت عادات اصل چهارم است که اصلاح آدمیان را بر عهده دارد و این سیاست چون به جامعه اسلامی بر می گردد و بنابر اینکه می خواهد به هسته اصلی دین بپردازد سه پایه برای آن در نظر می گیرد.

پایه اول توجیه به منزله قوام جامعه اسلامی است (قادری: ۱۳۸۷، ۹۴). که توحید پایه اصلی آن است و حقیقت توحید که بنای توکل بر روی آن است دارای چهار درجه است:

درجه اول آن است که به زبان لاله الا الله بگوید و به دل اعتقاد ندارد و این توحید منافق است (غزالی: ۱۳۸۷، ۵۲۹).

درجه دوم آنکه معنی این به دل اعتقاد دارد و به تقلید چون عامی یا به نوعی از دلیل چون متکلم

درجه سوم آنکه به مشاهده ببیند که همه از یک اصل می رود و فاعل یکی بیش نیست و هیچ کس دیگر را فعل نیست و این نوری بود که در دل پدید آید که در آن نور این مشاهده حاصل آید و این نه چون اعتقاد عامی و متکلم بود که اعتقاد بندی باشد که بر دل افکنند یا به حيله تقلید یا به حيله دلیل و کمال توحید.

در درجه چهارم آن است که جز یکی را نبینند و همه را خود یکی ببیند و یکی شناسد و تفرقه را بدین مشاهده هیچ راه نبود و این را صوفیان فناء گویند در توحید (همان: ۵۳۰)

پایه دوم اجتناب و دوری از معاصی و منکرات است (قادری: ۱۳۸۷، ۹۱) که در ربع مهلکات عنوان شده است و در ده اصل بیان داشته:

اصل اول: اندر ریاضت نفس

اصل دوم: از عقبات راه دین شهوت شکم است

اصل سوم: شره سخن و آفت زبان

اصل چهارم: اندر خشم و حقه و حسد و آفت ها و علاج آن

اصل پنجم: علاج دوستی دنیا

اصل ششم: علاج بخل و حرص

اصل هفتم: علاج دوستی جاه و حشمت

اصل هشتم: علاج و یا به طاعات و عبادات

اصل نهم : در علاج کبر و عجب

اصل دهم : در غفلت و ضلالت و غرور (غزالی : ۱۳۸۷ ، ۱)

پایه سوم عمل به اوامر و دستورهای شرع (قادری : ۱۳۸۷ ، ۹۱) که در ربع منجیات عنوان شده است که آن نیز ده اصل است

اصل اول : در توبه

اصل دوم: در صبر و شکر

اصل سوم : در خوف و رجاء

اصل چهارم : در فقر و زهد

اصل پنجم : در نیت و صدق اخلاص

اصل ششم : در محاسبه و در مراقبت

اصل هفتم : در تفکر

اصل هشتم : در توحید و توکل

اصل نهم : در محبت و شوق رضا

اصل دهم : در یاد کردن مرگ (غزالی : ۱۳۸۷ ، ۳۱۵)

سیاست اصلاحی که توضیح داده شد و بر سه پایه استوار است دارای چهار مرتبه نیز می باشد که این مراتب ریشه در هستی شناسی غزالی دارند و از طرفی مخاطبان این سیاست را نیز در بر می گیرد .

وی این مخاطبان را به دو قسم خواص و عوام تقسیم می کند و باز هر کدام را ظواهر و بواطن آنان را در نظر می گیرد. همان گونه که در قسمت آداب می گوید : بدان که آداب ظواهر عنوان آداب بواطن است و حرکات جوارح ثمرات خواطر و کارها نتیجه خوبیهاست و ادب ها فیض معرفت ها . و اسرار دل ها معادن اعمال است و منابع افعال . و انوار سرهاست که بر ظاهرها بتابد و آن را مزین و محلی گرداند و مکاره و مساوی آن را به محاسن و معالی به دل کند . و هر که دل او صفت خشوع نگیرد جوارح او خشوع نپذیرد و هر که سینه او مشکات انوار الهی نباشد جمال آداب نبوی بر ظاهر او فیض نشود(غزالی : ۱۳۵۹ ، ۲۷۵).

می توان به این گفتار نیز اشاره کرد که غزالی باطن افراد را برای زدودن اضافات دین در نظر گرفته است .

غزالی سیاست انبیاء را سیاستی کامل می‌داند و می‌گوید: حمدی که میکائیل خیال آن را نیپماید و سپاسی که در مقیاس قیاس نیاید آن خدایی را که چیزها بیافرید و در خلقت و ترتیب آن بدایع احسان و غرایب اتفاق نمود و پیغامبر خود محمد (ص) را به ادب بیاراست و در تادیب و تهذیب او لطایف انعام و عوارف احسان مبذول فرمود و اوصاف و اخلاق او را مزکی و مطهر گردانید. پس او را به درجه اصفیا و مرتبه محبت رسانید و هرکه را در ازل تهذیب او خواست توفیق اقتدار به آثار او داد و هر که را از تخلق به اخلاق او محروم کرد " داغ رد " بر جبین او نهاد (غزالی : ۱۳۵۹ ، ۶۵۲).

چون سیاست انبیاء سیاستی است کامل بر عوام و خواص عرضه می‌گردد و هم بر ظاهر آنان و هم بر بواطنشان را در بر می‌گیرد.

مرتبه دوم سیاست حکام است که شامل خلفاء، فقها و سلاطین و ملوک است - به دلیل اینکه نهاد خلافت و سلطنت هم زمان در عصر غزالی وجود داشت - و این حکام فقط بر ظواهر عوام و خواص آدمیان تسلط دارند (قادری : ۱۳۸۷ ، ۹۱).

مرتبه سوم سیاست علما است. منظور غزالی از علما، علمای صالح است که شایستگی و توانایی دسترسی به بواطن خواص را دارا هستند. وی در آثار پس از هجرت خود رنجیدگی خود را از رفتار سوء عالمان غیر صالح اعلام کرده است (عطارزاده : ۱۳۸۸ ، ۵۷-۷۸).

در مرتبه چهارم سیاست وعاظ فرار دارد. وعاظ بر اساس پذیرش های عمومی و بدون آنکه به عمق و کنه قضایا و معارف دینی دست یافته باشند با بواطن عوام نوعی همترازی برقرار می‌کند (قادری : ۱۳۸۷ ، ۹۲).

بر اساس نظریه اسپریگنز در کتاب فهم نظریه های سیاسی، فهم هر نظریه سیاسی در گرو درک دو مسئله اساسی است: یکی عوامل موثر بر نظریه پردازی و دیگری منطق درونی آن نظریه. اکنون با توجه به مقدماتی که در زمینه مسائل فوق مطرح شد می‌توان به طور فشرده به جمع بندی و نتیجه گیری پرداخت (سبزیان : ۱۳۸۱ ، ۳۵).

احساس مسئله و درد

غزالی در احیاء علوم الدین با نگرشی اخلاقی به سیاست و پرداختن به معنویات به احیاء دینی خود دست می‌زند که این نوع احیاء نه مانند ابن تیمیه بازگشت به سلف بلکه پرداختن به معنویات به عنوان حوهر دین است که این امر به دلیل اوضاع سیاسی و دینی عصر غزالی بود (قادری : ۱۳۸۷ ، ۹۰) غزالی احساس مسئله را در کتاب احیاء علوم الدین همان گونه که از نامش پیداست مرگ دین است و وی دست به احیاء می‌زند.

ریشه و علل مسئله

ارکان قدرت در زمان غزالی متزلزل شده بود و نهضت اسماعیلیه و دعوت فاطمیان از یک سو و سلاطین ترک سلجوقی از سوی دیگر سبب شده بود که مبانی دینی به دلیل اختلافات فرقه ای از مجاری اصلی خود منحرف شود و اعتقادات مردم در اصل و حقیقت نبوت سستی گرفته بود (عطارزاده : ۱۳۸۸ ، صص ۵۷-۷۸).

از ویژگی های دیگر جامعه عصر غزالی برداشت نقلی از دین به ویژه در میان اهل سنت بود که از جمله موانع رسیدن به حقیقت به شمار می رفت. در این برداشت ظواهر آیات و احادیث مد نظر قرار می گرفت نه ارائه تفسیری عقلانی از آنها که از جانب فقهای ظاهر گرا ارائه و حکام از آن حمایت می کردند (همان). از سوی دیگر غزالی ریشه و علل مسئله را همان گونه که گفته شد و در ربع مهلکات آورده شد در ده اصل می داند: اصل اول: اندر ریاضت نفس؛ اصل دوم: از عقبات راه دین شهوت شکم است؛ اصل سوم: شره سخن و آفت زبان؛ اصل چهارم: اندر خشم و حقه و حسد و آفت ها و علاج آن؛ اصل پنجم: علاج دوستی دنیا؛ اصل ششم: علاج بخل و حرص؛ اصل هفتم: علاج دوستی جاه و حشمت؛ اصل هشتم: علاج و یا به طاعات و عبادات؛ اصل نهم: در علاج کبر و عجب؛ اصل دهم: در غفلت و ضلالت و غرور (غزالی: ۱۳۸۷، ۱). و منظور او این است تا این ده اصل درست نشود دین زنده نخواهد شد..

راه حل

غزالی دنیا را بر اساس منابع اسلامی الدنیا مزرعه الاخره، زمینه ساز آخرت می داند و وظیفه سیاست را رساندن انسان به آخرت در نظر می گیرد به گونه ای که سبب سعادت دنیا و آخرت انسان شود و راه حل رسیدن به این سعادت را در کتاب احیاء علوم الدین در ربع منجیات می داند که عمل به این ده اصل در ربع منجیات سبب رهایی از مردگی دین می شود که این ده اصل عبارتند از: اصل اول: در توبه؛ اصل دوم: در صبر و شکر؛ اصل سوم: در خوف و رجاء؛ اصل چهارم: در فقر و زهد؛ اصل پنجم: در نیت و صدق اخلاص؛ اصل ششم: در محاسبه و در مراقبت؛ اصل هفتم: در تفکر؛ اصل هشتم: در توحید و توکل؛ اصل نهم: در محبت و شوق رضا؛ اصل دهم: در یاد کردن مرگ (غزالی: ۱۳۸۷، ۳۱۵).

جامعه آرمانی غزالی

مدینه فاضله ای که غزالی به ما معرفی می کند از بسیاری جهات به مدینه فاضله فارابی و خیلی بیشتر از آن به مدینه فاضله اخوان الصفاء شباهت دارد، انسان مختار و آزاد است. وی با جهد خویش که به آن، یاری خدا نیز از طریق وحی و عقل افزوده می شود مدینه فاضله خود را بنا کند. مدینه ای که در عین تفاوت ها و طبقه بندی ها، متحد و یگانه است. و اتحادش سرمشق و نمونه است. جامعه فاضله باید مثل وجود، واحد و یکی باشد و اعضایش در جاهایی که خدا برای آنها معین کرده، تخت ریاست رئیس واحد و با رعایت شرع به وظایفی که خداوند به آنان محول کرده عمل کنند. جامعه اسلامی، ابتدا رئیس خود را در شخص پیغمبر یافته است - که همان سیاست انبیاست - پیامبر نه تنها وظیفه ابلاغ وحی را به عهده داشته، بلکه رئیس و مرشد جامعه نیز بوده است. از زمان رحلت پیامبر، مسلمین، خلفاء، و سلاطین و عمرای بسیاری بر خود دیده اند. اینان بدون کمک علمای شرع نمی توانند از عهده وظایف محوله بر آیند. وظیفه اصلی صاحبان قدرت، اجرای شرع از لحاظ اجتماعی است. تکلیف علما، تبلیغ و انتشار و توضیح شرع است تا اینکه اصول شرع در بوته فراموشی و دامن غفلت نیفتند (لاتوست: بیتا، ۵۵۲).

مدینه فاضله بالفلسه هدف نیست. هدف مدینه فاضله، رهبری و هدایت اعضایش به سوب سعادت و رستگاری اخروی است. بشر، خارج از دین و اجتماع نمی تواند به شکوفایی کامل برسد، سیاست که هدف را معین می کند، وسایل وصول به آن را نیز نشان می دهد. در جامعه ای که افراد در فکر اصلاح خود و دیگری هستند، اعضای آن، می توانند یکدیگر را برادرانه به خیر و مصلحت فرا خوانند. و این امر مستلزم آن است که افراد اعتقادات و قواعد اجتماعی مشترکی را قبول کنند. لازمه پذیرش اینها، آن است که اعتقادات و قواعد مورد بحث، به خد کافی نرم و انعطاف پذیر باشند تا بتوانند از بروز اختلافات و برخوردهای فردی جلوگیری کنند (همان)

البته در اینکه غزالی اندیشمند بوده نه فیلسوف پس به حل مشكله زمان خود عنایت داشته نه اینکه جامعه ای آرمانی در روزگاری دیگر تاسیس کند مانند فارابی و یا افلاطون.

در اینکه فارابی در ساختن مدینه فاضله شکست خورده شکی نیست غزالی شکست خورده زیرا نمونه مدینه فاضله را به خلفایی عرضه می کرده که بیشتر در صدد نجات خود بوده اند تا انجام اصلاحات. غزالی شکست خورده، زیرا نمونه مدینه فاضله را بیه امرای سلجوقی ارائه می داده و حال آنکه فصد اینان از شناسایی رسمی مقام خلافت، بیشتر توجیه فتوحاتشان بوده تا کوشش برای استقرار شرع (همان).

منابع

- ۱- اسپریگنز، توماس؛ فهم نظریه های سیاسی، ترجمه فرهنگ رجایی، تهران: نشر آگه ۱۳۸۹
- ۲- سبزیان موسی آبادی، علیرضا؛ اندیشه سیاسی فارابی، فصلنامه اطلاعات سیاسی اقتصادی شماره ۱۷۹-۱۸۰، شهریور ۱۳۸۱
- ۳- عطارزاده، مجتبی؛ دین سیاسی یا سیاست دینی از نگاه امام محمد غزالی، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین المللی، شهرضا شماره دوم، تابستان ۱۳۸۸
- ۴- غزالی، امام محمد؛ احیاء علوم الدین، ترجمه حسین خدیو، ربع عادات، تهران انتشارات بنیاد فرهنگ ایران ۱۳۵۹
- ۵- غزالی، امام محمد؛ احیاء علوم الدین، ترجمه حسین خدیو، ربع عادات، تهران انتشارات بنیاد فرهنگ ایران ۱۳۵۹
- ۶- غزالی، امام محمد، تهافه الفلاسفه، ترجمه حسن فتحی، تهران: انتشارات نارالله ۱۳۸۳
- ۷- غزالی، امام محمد؛ کیمیای سعادت، ترجمه حسین خدیو، جلد دوم منجیات و مهلکات؛ تهران: انتشارات غلمی و فرهنگی ۱۳۸۷

۸- قادری ، حاتم ؛ اندیشه ساسی در اسلام و ایران ، تهران : انتشارات سمت ۱۳۸۷

۹- کرمی ، میثم ؛ غزالی شناسی ، تهران : انتشارات حکمت ۱۳۹۳

۱۰- لاتوست ، هانری ؛ سیاست و غزالی ، ترجمه مهدی مظفری ، تهران انتشارات بنیاد فرهنگ ایران ۲۵۳۵ شاهنشاهی